



عدالت ترمیمی و ظرفیت‌سازی مبارزه با تروریسم در اروپا



محمد نصیرزاده* - دکتر فریده محمدعلی‌پور**

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

مبارزه با تروریسم از مهم‌ترین مسائل امنیتی اروپا است و رویکرد اولیه کشورهای اروپایی بر عدالت کیفری و جرم‌انگاری ابعاد مختلف تروریسم استوار است درحالی که در گرایش به گروه‌های تروریستی، زمینه‌های اجتماعی و فردی نقش عمده‌ای دارند، لذا از بین بردن این زمینه‌ها مهم تلقی می‌شود. عدالت ترمیمی برای برآوردن این مقصود، رویکرد متفاوتی را پیش‌روی تصمیم‌سازان نهاده است. پرسش این پژوهش این است که چگونه عدالت ترمیمی بر مبارزه با تروریسم در اروپا تاثیر گذاشته است؟ پژوهش حاضر با استفاده از نظریه اجتماع مبتنی بر رویه و کاربست روش تبیینی - تکوینی و با هدف یاری رساندن به سیاست‌گذاران امنیتی کشور در زمینه مقابله با تروریسم انجام شده است. نتایج پژوهش از طریق واکاوی تجربه کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که عدالت ترمیمی از طریق بازاندیشی در تعریف هویت فردی و اجتماعی در مبارزه با تروریسم مؤثر بوده و می‌تواند موجب صلح اجتماعی گردد. این بازاندیشی موجب می‌شود فرد در هویت تروریستی خود تجدیدنظر نماید و در نتیجه بسترهای صلح اجتماعی به وجود آید. تأیید دوباره ارزش‌های جامعه و تقبیح رفتار مجرمانه در نتیجه عدالت ترمیمی در کاهش به حاشیه رانده شدن افراد در مبارزه با افراط‌گرایی و بازگشت آن‌ها به جامعه تاثیر بسزایی دارد.

کلیدواژگان

تروریسم، عدالت ترمیمی، هویت، اجتماع مبتنی بر رویه، اروپا.

مقدمه

نقش عوامل فردی و اجتماعی در گرایش به تروریسم لزوم توجه به این ابعاد در مقابله با تروریسم را اثبات کرده است. ذهنیت فردی و اجتماعی عامل مهمی در گرایش به تروریسم و همچنین

* دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه خوارزمی. تهران. ایران.

** استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی. تهران، ایران. / نویسنده مسئول /

ایمیل: fm.alipour@khu.ac.ir

گسست از گروه‌های تروریستی است؛ همان‌طور که بخشی از افراد سازمان جدایی طلب باسک در اسپانیا «در پی شکنجه یا قتل یکی از اقوام یا دوستانشان توسط نیروهای امنیتی دولت، رادیکال شده بودند» (Ríos, 2013:194) و دولت اسپانیا را به عنوان «دیگری» تعریف می‌کردند. بر این اساس یکی از مسائل اصلی در مقابله با تروریسم «تلاش برای ادغام اجتماعی این افراد در جامعه است». امری که مورد توجه شورای امنیت سازمان ملل^۲ (S/RES/2396 2017) است. نتیجه بررسی زندگی ۲۰۹ فرد که در ۱۴ شبکه تروریستی در هلند حضور داشتند، حاکی از آن است که «خانواده افراد بدون توجه به عوامل فردی و اجتماعی تلاش می‌کردند آن‌ها را از کسانی که می‌خواستند در گروه‌های تروریستی جذبشان کنند دور نگاه‌دارند. این امر در اغلب موارد به تشکی واقعی بین فرد در آستانه پیوستن به گروه تروریستی و خانواده‌اش و در نهایت گسست میان آن‌ها تبدیل می‌شود» (De Bie, 2016: 32). با توجه به ریشه‌های فردی و اجتماعی گرایش به تروریسم و در نظر گرفتن ادغام اجتماعی به‌عنوان روشی در مبارزه بنیادین با تروریسم؛ متناسب با ظرفیت‌های عدالت ترمیمی^۳، بسیاری از کشورهای اروپایی استفاده از این نوع عدالت را در دستور کار قرار داده‌اند. «عدالت ترمیمی راهی جایگزین در راستای تحقق عدالت پیش‌بینی می‌کند و به افرادی که مسئولیت اقدامات خود را بپذیرند، فرصتی برای جبران می‌دهد» (Dandurand, 2020: 4).

نظر به کاربست عدالت ترمیمی در مبارزه با تروریسم توسط کشورهای اروپایی؛ در پاسخ به این سؤال که عدالت ترمیمی چگونه بر مبارزه با تروریسم در اروپا تأثیر گذاشته است؟ این فرضیه بررسی شده است که عدالت ترمیمی از طریق بازاندیشی در تعریف هویت فردی و اجتماعی در مبارزه با تروریسم مؤثر بوده و می‌تواند موجد صلح اجتماعی گردد. برای آزمودن فرضیه مذکور از نظریه اجتماع مبتنی بر رویه بهره گرفته شده است. این پژوهش از نظر روش، تکوینی - تبیینی است. جزء اول تکوینی، اشاره به بررسی فرآیند تکوین رابطه بین متغیر مستقل، عدالت ترمیمی با متغیر وابسته، مبارزه با تروریسم در اروپا دارد که در جزء دوم نتیجه این رابطه و ایجاد صلح اجتماعی تبیین می‌شود. داده‌ها به روش اسنادی گردآوری و قوانین و پژوهش‌های معتبر در خصوص تجارب اسپانیا، ایرلند شمالی، کوزوو، آلمان و بریتانیا مطالعه شده‌اند. این پژوهش از نظر هدف در پی آن است که با واکاوی تجربه کشورهای اروپایی در زمینه استفاده از عدالت ترمیمی در مبارزه با تروریسم به سیاست‌گذاران امنیتی کشور برای مبارزه با چالش‌های امنیتی همانند تروریسم یاری رسانده شود.

۱- پیشینه پژوهش

نویسندگان مختلف در آثار پژوهشی خود به واکاوی مسئله تروریسم و پاسخ مؤثر مقابله با آن پرداخته‌اند گرچه هیچ کتاب مستقلی که به عدالت ترمیمی در مبارزه با تروریسم پرداخته باشد،

^۱. Euskadi ta askatasuna (ETA)

^۲. United Nations

^۳. Restorative Justice

تألیف نشده است.

سوتو در مقاله اسپانیایی‌زبان «عدالت ترمیمی به عنوان یک نظام مکمل فرآیند کیفری به‌سوی غرامت همه‌جانبه برای قربانیان تروریسم، درس‌هایی از تجربه اسپانیا» (Soto, 2020) در پی طراحی الگوی عملی برای قربانیان تروریسم است تا از این طریق به نیازهای خاص قربانیان تروریسم پرداخته شود. نویسنده معتقد است که نیازهای قربانیان تروریسم؛ فراتر از دریافت غرامت اقتصادی کلاسیک است و از طریق کمک‌های اجتماعی همراه با غرامت نمادین یا عاطفی باید به قربانیان تروریسم توجه گردد. در گزارش شبکه آگاهی از افراط‌گرایی برای کمیسیون اروپا (۲۰۲۱) با عنوان «ظرفیت عدالت ترمیمی در موارد افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و تروریسم» به چستی، چرایی و چگونگی عدالت ترمیمی و اهداف، ارزش‌ها و اقدامات آن در مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم پرداخته شده است (Radicalisation Awareness Network, 2021). این گزارش از افراد و گروه‌هایی که از قربانیان و مجرمان درگیر در این نوع جرائم حمایت می‌کنند دعوت می‌کند تا فرهنگ عدالت ترمیمی را در کار خود ترویج کنند. این به معنای استفاده از زبان غیر قضات، داشتن گوش‌شنوا برای شنیدن و پذیرش حقایق و روایت‌های مختلفی است که ممکن است بشنوند و رفتار توأم با احترام با دیگران است. این سلاحي است که با آن می‌توان افراط‌گرایان خشن را خلع سلاح کرد و مکانیسم‌های حمله و دفاع از نفرت و خشونت را زیر و رو کرد.

بلکلی و دیگران (۲۰۱۹) در کتابی با عنوان «ترک جنگ ترور: جایگزینی مناسب برای سیاست مقابله با تروریسم» (Blakeley & etal, 2019) سیاست‌های ضد تروریستی به‌ویژه سیاست‌های بریتانیا را نامطلوب ارزیابی کرده و رویکردهای جایگزینی را در این راستا مطرح کرده‌اند. نگارندگان بر این اعتقاد هستند که سیاست‌های ضد تروریسم باید به عوامل اجتماعی گرایش افراد به گروه‌های تروریستی و همچنین نیازهای متنوع قربانیان تروریسم نگاه جامع داشته باشد و از نگاه صرف سخت‌افزاری دوری گزیند. زرنوا (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «عدالت ترمیمی پس از خشونت بانگیزه سیاسی: تجربه باسک» (Zernova, 2019). با بررسی سیاست‌های اسپانیا معتقد است که عدالت ترمیمی می‌تواند بر چالش تروریسم و خشونت سیاسی فائق آید؛ عدالت ترمیمی هم موجب بازگشت عواملان اقدامات خشونت‌آمیز بانگیزه سیاسی به جامعه اسپانیا و بازاجتماعی شدن آنها شده و هم به نیازهای قربانیان این اقدامات از ابعاد مختلف نگاهی بسیط دارد.

کارتر (۲۰۱۷) در کتاب «تجزیه و تحلیل عدالت کیفری و الگوهای نظامی ضد تروریسم: اسنادی از ایالات متحده» (Carter, 2017) به بررسی مدل‌های عدالت کیفری و مدل نظامی ضد تروریسم می‌پردازد و با استفاده از نظریات کیفی و شواهد آماری، مدل‌های مبارزه با تروریسم را تجزیه و تحلیل می‌کند. از نظر وی، فعالیت‌های نظامی ایالات متحده منجر به افزایش تروریسم می‌شود لذا، اقدامات نظامی به‌تنهایی برای مبارزه با تروریسم کافی نیست و باید رویکردی بنیادین اتخاذ گردد. این رویکرد باید توجه خود را به مسائل اجتماعی و روان‌شناختی گرایش افراد به تروریسم مبدول دارد.

^۱. Radicalisation Awareness Network

با وجود مطالعات بسیار در زمینه مقابله با تروریسم، این پژوهش‌ها دچار خلأ اساسی است: نخست به انتقاد از رویه‌هایی پرداخته‌اند که کشورهای مختلف با استفاده از آن‌ها به مقابله با تروریسم می‌پردازند بدون آنکه جایگزینی معرفی کنند. دوم، این پژوهش‌ها بازپروری اجتماعی عاملان اقدامات تروریستی در فرایند عدالت ترمیمی را مدنظر قرار نداده‌اند. با توجه به این عوامل پژوهش حاضر با استفاده از نظریه اجتماع مبتنی بر رویه؛ تاثیر عدالت ترمیمی بر مجرمان و ساخت مجدد روابط اجتماعی ناشی از دگردیسی در هویت و تصور از آن‌ها در قالب یک اجتماع مبتنی بر رویه در کشورهای اروپایی را واکاوی نموده است.

۲- مبانی نظری و روش پژوهش: اجتماع مبتنی بر رویه

علاقه دیرینه‌ای در روابط بین‌الملل وجود دارد تا نظریه و عمل را در هم متمرکز نماید. منظور از عمل، کاری است که افراد «عادی» انجام می‌دهند و «نظریه» به تعمیم‌های انتزاعی اشاره می‌کند یا آنچه دانشگاهیان انجام می‌دهند. برحسب این علاقه، نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل معرفت‌شناسی عمل‌گرایانه را برای تقویت پیوند نظریه با عمل دوباره کشف کرده‌اند. در نتیجه «از آنجا که رویه واسطه مهمی میان نظریه و عمل تلقی می‌شود، علم روابط بین‌الملل شاهد چرخش مبتنی بر رویه^۱ بوده» (Grimmel & Hellmann, 2019: 199) و استفاده از نظریه اجتماع مبتنی بر رویه مورد توجه قرار گرفته است (رادفر و دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۱)؛ (Radfar & Dehghani Firoozabadi, 2022). این نظریه، به تعامل میان ساختار و کارگزار و تاثیر آنها بر هم و در نهایت فهم مشترک توجه می‌کند (لطفی و فیروزآبادی، ۱۴۰۲: ۱۲)؛ (Lotfi & Dehghani Firoozabadi, 2023: 12)

نظریه اجتماع مبتنی بر رویه در راستای واکاوی فرایند یادگیری ابتدا در حوزه جامعه‌شناسی، توسط لیو و ونگر^۲ (۱۹۹۱) مطرح و سپس توسط ونگر در کتاب اجتماع مبتنی بر رویه، معنابخشی و هویت (Wenger, 1998) بسط داده شد. این نظریه در روابط بین‌الملل مورد توجه امانوئل ادلر^۳ در کتاب روابط بین‌الملل اجتماع‌گرایانه قرار گرفت (Adler, 2005). دو نقطه کانونی نظریه اجتماع مبتنی بر رویه «یادگیری است که دانستن و عمل کردن را به هم مرتبط می‌کند و کرد/ارها است که در سازه‌های اجتماعی توسعه می‌یابند» (Bueger & Gadinger, 2018: 52). آلیسون فولر^۴ «گروه‌ها به‌عنوان واحد اصلی تجزیه و تحلیل؛ تکامل یادگیری از طریق کردار و در نهایت شکل‌گیری هویت» را سه مؤلفه کلیدی نظریه اجتماع مبتنی بر رویه معرفی می‌کند (Fuller, 2007: 17-29).

بر اساس نظریه اجتماع مبتنی بر رویه، «پیکربندی اجتماعی» (Adler, 2019) شامل گروه‌های مبتنی بر رویه متشکل از افرادی است که «برای انجام نوعی مشارکت جمعی به هم پیوند خورده‌اند

¹. Practic Turn

². Community of Practice

³. Lave & Wenger

⁴. Adler, Emanuel

و کردار، انسجام بخش روابط میان این افراد در گروه است» (Bueger & Gadinger, 2018: 53). این پیکربندی اجتماعی ساختاری از آگاهی است که در آن «گروهی از مردم سازه‌های اجتماعی یادگیری را ایجاد می‌کنند؛ یک عمل مبتنی بر دانش مشترک را توسعه می‌دهند؛ به اشتراک می‌گذارند و حفظ می‌کنند» (Wenger et al., 2002: 28-29). بر این اساس «اجتماع مبتنی بر رویه، فضای اجتماعی است که در آن ساختار و کارگزار از یک سو و دانش و قدرت از سوی دیگر باهم تلافی دارند» (Adler, 2008: 199) و «کارگزاران از طریق کردارهای خود معنای ساختاری را در عین یادگیری دگرگون می‌کنند» (Adler & Pouliot, 2011: 15-16). در یک اجتماع مبتنی بر رویه «در عین فعالیت مشارکتی اعضا ممکن است معانی و برداشت‌های مشترک به شکل بنیادین و اساسی تغییر یابد» (Bueger & Gadinger, 2018: 53).

نظریه اجتماع مبتنی بر رویه بر تعامل اعضای گروه‌های اجتماعی تاکید دارد چراکه «اعضای اجتماع همواره با همدیگر تعامل منظم دارند» (Sondarjee, 2021: 14) و با مشارکت در کنش‌هایی که بر سر آن با یکدیگر مذاکره می‌کنند «از تعاملات به‌عنوان وسیله‌ای برای یادگیری انجام بهتر رویه خاص استفاده می‌کنند» (Infantino, 2019: 12). لذا یکی از ویژگی‌های این جوامع، «یادگیری دائم افراد برای بهبود شیوه‌های مشارکت در گروه است» (Sondarjee, 2021: 14). امر نشان می‌دهد «مشارکت افراد در یادگیری به‌عنوان سنجه شایستگی آن‌ها لحاظ می‌شود» (Adler, 2008: 199). بدین ترتیب هرچقدر یادگیری بیشتر شود بر صلاحیت فرد افزوده می‌شود.

در اجتماع مبتنی بر رویه، یادگیری، فعالیت عملی است چراکه کسب دانش به اقدام عملی نیاز دارد. «این امر در فرآیند اجتماعی شدن سبب می‌شود افراد به عضویت کامل گروه درآیند و به متخصصان آگاه تبدیل شوند» (Bueger, 2012). «چنین اجتماعی، فضایی با نگرشی یکسان ایجاد می‌کند که هنگام عمل استفاده می‌شوند» (Bicchi, 2022: 28). این فهرست شامل «کلمات، نمادها، شیوه‌های انجام کار هستند که اجتماع آن‌ها را ایجاد کرده است تا به بخشی از کردار تبدیل شوند» (Bueger & Gadinger, 2018: 53).

پرسش مهم این است که اجتماعات مبتنی بر رویه مختلف چطور باهم تعامل دارند؟ در پاسخ اندیشمندان معتقد هستند «تغییر در این نوع اجتماعات از طریق تعامل آن‌ها با محیط وسیع‌تر اتفاق می‌افتد زیرا اعضا داوطلبانه به جامعه می‌پیوندند و هنجارها و روابط را از طریق تعامل متقابل فرامی‌گیرند» (Meri & Hedley, 2021: 3)؛ همچنین این اجتماعات از طریق کردارهای مرزی باهم تعامل دارند. از آنجا که مردم در بیش از یک اجتماع مشارکت دارند و واسطه‌ها مشغول ترجمه شناخت از اجتماعی به اجتماع دیگر هستند، این مشخصه سبب می‌شود که «نظریه اجتماع مبتنی بر رویه در کنار اشتراکات، در شرایط عدم اطمینان در مورد معنای گذشته و ظهور شیوه‌های مبتنی بر رویه‌های جدید با تأمل آگاهانه و ایجاد وقفه در عمل همیشگی از قابلیت تبیین سازوکارهای گسست از شیوه‌های گذشته برخوردار باشد و نقش افراد پیشرو را در تغییر رویه‌ها در این اجتماعات واکاوی نماید» (Cornut, 2018: 722). در راستای به‌محک آزمون نهادن فرضیه این پژوهش؛ از آنجا

که نظریه اجتماع مبتنی بر رویه بر مفاهیمی همانند یادگیری، دانستن همراه با عمل کردن، گروه به‌عنوان واحد اصلی تجزیه و تحلیل و دانش نهفته در سازه‌های اجتماعی تاکید دارد می‌تواند ابزار مناسبی برای آزمون فرضیه و نیل به پاسخ پرسش مطرح شده باشد چراکه عدالت ترمیمی در جهت بازپروری اجتماعی افراد بر یادگیری اجتماعی آنها تاکید داشته و تمرکز خود را بر گسستن از گروه‌های تروریستی قرار می‌دهد. عدالت ترمیمی با تاکید بر کنش همراه با یادگیری، انسان را موجودی رابطه‌ای تعریف می‌کند که در روابط اجتماعی رشد می‌یابد. امری که در نظریه اجتماع مبتنی بر رویه مورد تاکید است و سبب همسویی هستی‌شناختی نظریه و موضوع مورد مطالعه می‌گردد.

۳- گروه تروریستی به‌عنوان یک اجتماع مبتنی بر رویه

مطالعه تجربه تاریخی پیوستن افراد به تروریسم در کشورهای اروپایی حکایت از آن دارد که تروریست‌ها افرادی هستند که نسبت به جامعه خود احساس بیگانگی دارند و بر اثر عواملی همانند بحران هویت، بحران معنا و تبعیض به گروه‌های تروریستی می‌پیوندند (توکلی و نطاق‌پور، ۱۴۰۱: ۸۴)؛ (Tavakoli & Nattagh Poor, 2022: 84). تحت تاثیر این عوامل، افراد یادشده خود را آرمان‌گرایانی در دنیایی ناعادلانه می‌دانند. احساس بیگانگی، آرمان‌گرایی و ارتباط با هم‌فکران؛ این امکان را فراهم می‌آورد تا گروه تروریستی را اجتماع مبتنی بر رویه تعریف کرد. با چنین تعریفی، از آنجاکه یکی از بارزترین ویژگی‌های این اجتماع، ایجاد فضایی با نگرش ادراکی خاص است، «اعتقاد بر این است که عضویت در گروه‌های تروریستی، درونی شدن ادراک جدیدی در فرد است» (Neumann et.al., 2007: 92). این همان چیزی است که جدایی‌طلبان منطقه باسک اذعان داشتند: «اجتماعی که به آن تعلق داشتند، جهان‌بینی خاصی را تحمیل می‌کرد» (Rios, 2013: 208).

در یک اجتماع مبتنی بر رویه، یادگیری حول محور دانش مشترک اتفاق می‌افتد. این امر حکایت از آن دارد که «جهت‌گیری‌های هنجاری در جامعه در بین اعضا مشترک است» (Wood, 2021: 5)؛ تعریف تروریسم به‌عنوان چنین اجتماعی، درک روشنی از برخی مسائل ایجاد می‌کند: این که فرد چگونه به محرک‌های مشوق برای گرویدن به گروه‌های تروریستی پاسخ می‌دهد و چگونه درونی سازی ایدئولوژی افراطی و جستجوی وابستگی به یک محیط رادیکال بزرگ‌تر یا شبکه تروریستی اتفاق می‌افتد؟ بر اساس تحقیقات پورتر و کبل این نتیجه حاصل شد که «اعضای گروه‌های تروریستی به اجتماعات محلی وابسته بوده اما به جامعه بزرگ‌تر وابستگی نداشتند» (Porter & Kebbell, 2011: 226). در حقیقت این افراد در حاشیه جامعه اصلی قرار دارند. به‌عنوان مثال در هلند حتی پیش از ظهور و رشد داعش، برخی معتقد بودند که بسیاری از مسلمانان

¹. Porter & Kebbell

در حاشیه جامعه قرار دارند و «این امر نشانه‌ای از مسئله کاملاً ریشه‌دارتری است زیرا همیشه این نگرانی وجود دارد که اگر ادغام اجتماعی به‌طور مؤثر صورت نگیرد جوانان اقلیت‌های اجتماعی همانند مسلمانان در معرض این خطر قرار می‌گیرند» (Butt & Tuck, 2010: 4). بلال المرکوهی به‌عنوان فردی از اتباع بلژیکی که به داعش پیوسته است با اشاره به این امر که «حجاب در مدرسه ممنوع بود درحالی‌که حجاب بخشی از هویت ماست» به تبعیض علیه مسلمانان اشاره می‌کند (Sultan et.al., 2020: 4).

مطالعات نشان داده است که بسیاری از ساکنان مناطقی از بلژیک، مانند ویلوورد (جایی که ۲۹ جوان از آن به داعش پیوستند) «شکایت دارند که تبعیض علیه مسلمانان سامان‌مند است» (behorizon, 2020: 63). الیاس، یکی از این شهروندان که به داعش پیوسته است می‌گوید «پدرم به‌عنوان مهندس به بلژیک آمد؛ اما با حقوق بسیار کم برای نظافت قطار در شب پذیرفته شد ما تقریباً افسرده بودیم زیرا او هرگز به اهدافش نرسید» (Sultan et.al., 2020: 6-۷). همچنین مطالعات متعددی نشان داده است که بسیاری از سوئدی‌ها نگرش منفی پیرامون اسلام دارند (رحمتی، ۱۴۰۲: ۷۳)؛ (Rahmati, 2023: 73)

بر اساس مسئله عدم ادغام و مشکل هویت اجتماعی، برخی از اندیشمندان معتقد هستند که گروه‌های تروریستی بر مشکلات افراد تأکید و سپس راه‌حلی را در قالب زندگی جدید در داخل سازمان تروریستی ارائه می‌کنند. با در نظر گرفتن این امر و همچنین با تعریف گروه تروریستی به‌عنوان اجتماع مبتنی بر رویه، «افراد در این اجتماع، برنامه‌ها و علایق خود را دنبال می‌کنند» (Wood, 2021: 245). «گروه تروریستی داعش سرزمین تحت سیطره خود را به‌عنوان مکانی ایدئال برای نوادگان مهاجران مسلمانی معرفی می‌کرد که در تنش خودساخته هویت غربی و مسلمانی و در مواجهه با بحران هویت، به دنبال احساس تعلق بودند» (Uğur, 2018: 4) همچنان که یکی از مبلغان داعش به نام بلال، سوریه را مکانی شگفت‌انگیز معرفی می‌کرد: «ما اینجا همه‌چیز داریم. اینجا بهشت است!» (Erelle, 2015). لیندا ونزل، شهروند آلمانی که در سن ۱۶ سالگی به داعش پیوسته بود تصور خود از مناطق تحت کنترل داعش را «جایی که مردان و همسران و فرزندانمان باهم در پارک‌ها پرسه می‌زدند... باهم نان می‌پختند و... بیان کرده است» (Independent, 2018). متأثر از این بسیج منابع بعد از دعوت ابوبکر البغدادی برای کمک به ایجاد خلافت، بسیاری از نوجوانان اروپایی به‌عنوان «عروس‌های جهادی به گروه‌های تروریستی همانند داعش پیوستند» (Onur, 2018: 32) «احساس تعلق به داعش مؤثر بوده و مفهوم تعلق و هجرت برای کمک به ساخت خلافت اسلامی آرمانی در زمره عوامل اصلی پیوستن به داعش ذکر شده است» (Saltman & Smith, 2015: 13). در جریان گفتگوی جدایی‌طلبان باسک نیز مشخص شد که «اکثریت شرکت‌کنندگان در اقدامات تروریستی این گروه در دهه ۱۹۷۰ عضویت در این سازمان را راهی برای تحقق

^۱. Bilal

آرزوهای خود می‌دانستند» (Rios, 2013: 194). آرزویی که در مسیر تحقق آن اقدامات تروریستی جلوه‌گر می‌شود (جمشیدی و رهبری، ۱۳۹۸: ۲۴۴)؛ (Jamshidi & Rahbari, 2020:244).

۴- عدالت ترمیمی و مکانیسم ادغام اجتماعی تروریست‌ها در جامعه

باتوجه به عوامل روانی واجتماعی؛ مبارزه با تروریسم نیازمند اتخاذ رویکردی است که زمینه ممانعت از گرایش فرد به تروریسم را فراهم آورد و افرادی را که به گروه تروریستی پیوسته‌اند در اجتماع مبتنی بر رویه متناسب با ارزش‌های جامعه بازپروری نماید. براساس این استلزامات است که اتحادیه اروپا بر ضرورت بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی گروه‌های فرودست جهت عقب راندن ایدئولوژی افراطی تاکید دارد (بیت‌جم و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۰۶)؛ (Beit Jam & et.al., 2023: 106) و بر آن است که باید با تروریسم در عرصه اجتماعی مبارزه کرد. در سال ۲۰۱۵، رهبران اتحادیه اروپا طی بیانیه مشترکی برای هدایت کار اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن صادر و برای مقابله با تروریسم، برعواملی همانند ادغام اجتماعی افراد در معرض رادیکالیسم و توانبخشی آنها تاکید کردند (Council of the EU, 2015). از نظر اتحادیه اروپا کشورهای عضو باید اقدامات لازم را برای ادغام مجدد تروریست‌های سابق فراهم کنند» (European Council, 2015). استراتژی مبارزه با تروریسم سال ۲۰۱۸ اتحادیه اروپا بر مبارزه اجتماعی با آن تاکید دارد و بر آن است که پیشگیری از تروریسم باید شامل درک فرآیند رادیکال‌سازی منتهی به تروریسم و چگونگی عمل افراد قبل از ارتکاب جرم تروریستی (Council of Europe, 2018) باشد. استراتژی مبارزه با تروریسم ۲۰۲۳-۲۰۲۷، نیز بر توسعه و اجرای برنامه‌های مؤثر باهدف ادغام اجتماعی مجرمان تروریستی بالقوه یا محکوم تاکید کرده است (Council of Europe Committee on Counter-Terrorism, 2023). مبتنی بر تاکید بر عوامل اجتماعی در مبارزه با تروریسم؛ عدالت ترمیمی سازوکاری است که این اهداف را برآورده می‌کند. اهمیت این امر زمانی روشن می‌گردد که توجه داشته باشیم که «همچنان وفاداران گروه‌های تروریستی همانند داعش، در اردو گاهایی همانند الهول به یک خطر امنیتی است» (تکار و اسپیکارت، ۱۴۰۲: ۱۷۱)؛ (Thakkar & Speckhard, 2023: 171).

با تعریف تروریسم به‌عنوان اجتماع مبتنی بر رویه از آنجا که پیوندهایی که از طریق تعاملات ایجاد می‌شود می‌توانند با تعاملات قطع شوند؛ عدالت ترمیمی، چارچوبی مفید برای مبارزه با تروریسم ارائه می‌کند. عدالت ترمیمی سازوکار اجتماعی جایگزین برای اجتماع مبتنی بر رویه تروریستی معرفی می‌کند زیرا در جست‌وجوی بازگرداندن وحدت به آن چیزی است که گسسته شده است و می‌تواند «پیش از صدور حکم، پس از محکومیت یا بلافاصله پس از آزادی فرد به

۱. عدالت انتقالی واکنشی به نقض سیستماتیک و یا گسترده حقوق بشر است. چنین عدالتی در جوامع در حال گذار مورد توجه قرار می‌گیرد. براین مبنا عدالت انتقالی عدالت در حال گذار است که براساس آن دولت انتقالی از آن به عنوان فرصتی برای گذار از خشونت به صلح استفاده می‌کند. این امر درحالی است که رویکرد عدالت ترمیمی به‌عنوان رویکردی گسترده‌تر از عدالت انتقالی در ابتدا به‌عنوان پاسخی به جرائم غیر جدی توسعه یافته و به تدریج با اثبات کارایی دامنه خود را به سایر جرائم نیز گسترش داد (Johnstone, 2011: chapter 9).

اجرا در آید» (میرمجیدی، ۱۴۰۰: ۴۳۹)؛ (Mirmajidi, 2021: 439)

ارائه سازوکار اجتماعی جایگزین حکایت از آن دارد که «از منظر عدالت ترمیمی، جرم اقدامی علیه روابط بین فردی است» (Olson, 2021: 19). چراکه از منظر عدالت ترمیمی «انسان‌ها موجوداتی رابطه‌ای هستند» (Vaandering, 2013: 320). در نظر گرفتن مسئله رابطه انسانی مبین جرم‌شناسی «مبتنی بر اعتماد به هم‌نوعان» (Walgrave et.al., 2021: 633) و «بازسازی روابط گسسته بین قربانی و مجرم است» (Daly, 2016: 12). این بازسازی تغییر مثبت در رفتار مجرمان را در نظر می‌گیرد (Gal & Dancig-Rosenberg, 2020: 151) و سعی می‌کند به مجرمان در فرایند بهبودی کمک کند (Volpe, 2007: 615). از دیدگاه عدالت ترمیمی انتظار این است که مجرمان افراد بهتری شوند و زندگی خود را در راستای رشد مثبت مجدد پیش برند (Suzuki & Jenkins, 2020: 7).

عدالت ترمیمی زمینه اجتماعی تروریسم را تصدیق می‌نماید. عدالت ترمیمی «بر مشارکت اجتماعی افراد در آستانه رادیکال شدن به‌عنوان اجتماعی شدن پیشگیرانه تأکید می‌ورزد» (White, 1989: 6) و «ارزش‌های اجتماعی را تأیید می‌کند» (Walgrave et.al., 2021: 289). تمرکز عدالت ترمیمی بر اعتبار بخشیدن به ارزش‌ها و فرهنگ‌های یکدیگر است. «عدالت ترمیمی به دنبال تغییر وضعیت تعارض است و قطبی شدن را به‌عنوان تهدیدی برای ارزش‌های جامعه قلمداد می‌کند» (Stephens, 2021: 15). با در نظر گرفتن این امر می‌توان گفت که «عدالت ترمیمی منجر به کاهش به حاشیه رانده شدن افراد می‌گردد» (Wong & Gavrielides, 2019: 20) و تأیید دوباره ارزش‌های اجتماعی را موجب می‌شود. «کاهش به حاشیه رانده شدن در مبارزه با افراط‌گرایی یکی از عناصر کلیدی در مبارزه با تروریسم است» (Aranguren, 2019: 72).

۱-۴- نقش قربانیان در ادغام تروریست‌ها در جامعه

یکی از سازوکارهای بازپروری مجرمان اقدامات تروریستی برقراری ارتباط این افراد با قربانیان ذیل کردار مرزی تروریسم و شنیدن روایت قربانیان به‌عنوان روایت جایگزین است. پارلمان اروپا بر لزوم ایجاد روایت‌های جایگزین مثبت و مؤثر که با مضامین ذاتی روایت تروریستی در تقابل، چالش و تضاد باشد تأکید دارد (Parliamentary Assembly, 2018) هدف این روایت‌ها، افشای گفتمان افراطی و از بین بردن توهّمات القایی در گروه‌های تروریستی در مواجهه با تروریسم است (Parliamentary Assembly, 2016). در فرایند عدالت ترمیمی، قربانی احساسات خود را برای مجرم بیان می‌کند. در برابر روایت‌های هژمونیک که افراد را به عوامل خشونت تبدیل می‌کنند، قربانی دردی را که متحمل شده است برای مجرم توصیف و به‌عنوان یک پادزهر در برابر افراطی‌گری عمل می‌نماید. در فرایند عدالت ترمیمی قربانیان از طریق روایتگری؛ مخاطب خود را در مسیری مشابه تجربه بزه‌دیدگی خود قرار می‌دهد و از طریق برانگیختن حس مسئولیت اخلاقی فرایندی را به چالش می‌کشد که به‌واسطه آن درها برای بازگشت خشونت در آینده بازمی‌ماند. در نتیجه تعامل قربانیان و عاملان ذیل کردار تروریسم، از آنجا که در یک اجتماع مبتنی بر رویه یادگیری اجتماعی حول محور دانش و شیوه‌های فرهنگی اتفاق می‌افتند و «شکل‌گیری هویت

به‌عنوان خط سیر مداومی درک می‌گردد که به‌صورت بینا ذهنی رخ می‌دهد» (Sarid & Levanon: 2021: 2)؛ «روایت قربانیان به فرد کمک می‌کند تا در مورد هویت خود تجدیدنظر کرده و از ساختارهای خشونتی که جهان‌بینی او دیکته می‌نمود، رها شود» (Marshall, 2007: 388). در سپتامبر ۲۰۱۱ تعدادی از ستیزه‌جویان سازمان جدایی‌طلب باسک پس از شرکت در جلسه‌های عدالت ترمیمی، اعلام کردند که «شهادت قربانیان باعث شده است تا پیشینه تروریستی خود را زیر سوال ببرند» (Ramos, 2019: 182). یکی از این قربانیان این جلسات اذعان کرده است که وقتی داستان خود را به مجرمان بازگو کرده است، آن‌ها تمایل داشتند که مسئولیت اقدام خود را بپذیرند. در پایان این مواجهه نیز دوزندانی به قربانی نزدیک شدند و از او عذرخواهی کردند، هرچند که مسئول مستقیم اتفاقی نبودند که برای او رخ داده بود (Ceberio, 2020: 4).

بدین ترتیب قربانیان از اجتماع مبتنی بر رویه تروریستی جدا می‌شوند و به اجتماع مبتنی بر رویه دیگری همسو با جامعه می‌پیوندند؛ «در شرایط عدم اطمینان در مورد معنای گذشته و ظهور شیوه‌های مبتنی بر رویه جدید» (Kuru, 2019: 302)؛ ملاقات با قربانیان به‌عنوان وقفه‌ای در عمل به عاملان کمک می‌کند تا درد قربانیان را بفهمند. درک رنج قربانیان، تحول و دگرذیسی درونی در مجرمان اقدامات تروریستی را ایجاد و به بازپروری وی کمک می‌کند (اسماعیلی و ابراهیمی، ۱۴۰۱: ۲۵)؛ (Esmaili & Ebrahimi, 2023: 25).

در فرایند عدالت ترمیمی افزون بر دگرذیسی فرد تروریست؛ قربانی از مجرمی که نیاز به بهبودی دارد آگاهی متفاوتی پیدا می‌کند و نوعی انسانی‌سازی و عینیت بخشیدن به فرد تروریست انجام می‌شود و تصویر ذهنی از عوامل اقدامات تروریستی و تعریف آن‌ها به‌عنوان هیولا شروع به فروپاشی می‌کند؛ یعنی همان تصویری که خوزه امیلیو سوارز تراشوراس (مجرم حملات مادرید) در ملاقات با یکی از قربانیان خود بنام ژسوس رامیرز رو به آن معتقد بود «من می‌فهمم که قربانیان فکر می‌کنند که من یک هیولا هستم». «در فرایند گفت‌وگو میان جدایی‌طلبان و قربانیان گروه جدایی‌طلبان باسک نیز تصویر قبلی از مجرمان به‌عنوان هیولا در نزد قربانیان فروپاشید و قربانیان به مجرمان به‌عنوان یک انسانی که در گذشته کارهای وحشتناکی را انجام داده است نگاه می‌کردند» (Ríos, 2013: 216). در یکی از موارد عدالت ترمیمی در ایرلند شمالی قربانی معتقد بود «وقتی با پاتریک ملاقات می‌کردم، آن‌چنان درک عمیقی از زندگی او داشتم که احساس می‌کردم دیگر چیزی برای بخشش او وجود ندارد» (Forgiveness Project, 2019).

۴-۲- عدالت ترمیمی و غلبه بر شکاف اجتماعی

یادگیری در اجتماع مبتنی بر رویه بر درک این که ما چه کسی هستیم تاثیر گذاشته و «به‌عنوان منبعی برای دگرگونی هویت فرد برای تعریف خود عمل می‌کند» (Sarid & Levanon, 2021: 2). بر این اساس «شرکت در عدالت ترمیمی موجب غلبه بر بر ساخته تروریست و پذیرش مجرم سابق به‌عنوان شهروند شده و شکاف بین قربانیان و تروریست برطرف می‌گردد» (Bertagna et al, 2015: 118). در مثال دیگری می‌توان به قضیه آنتونی بری اشاره کرد که در بمب‌گذاری تروریستی توسط

پاتریک مگی یکی از اعضای ارتش جمهوری خواه ایرلند در سال ۱۹۸۴ کشته شد. در نوامبر ۲۰۰۰ جو بری با مگی ملاقات کرد. در نتیجه گفت‌وگوها، بری اذعان داشت که «پس از شناخت پاتریک، احساس می‌کنم بخشی از وجودم را که با انفجار آن بمب از دست داده‌ام بازیابی کرده‌ام» (Forgiveness Project, 2019). همچنین در جلسات عدالت ترمیمی مربوط به منطقه باسک نشانه‌هایی وجود داشت که «بعضی از قربانیان نسبت به مجرمان اظهار بخشش کردند و برخی از قربانیان و تروریست‌های سابق توافق کردند که پس از آن در تماس باشند» (Ríos, 2013: 216).

تجربه حکایت از آن دارد که افرادی که در فرایند عدالت ترمیمی حضور دارند پشتیبانی و تمایل مجرمین برای کاهش آسیب ناشی از اقدامات خود را تجربه کرده‌اند چرا که عدالت ترمیمی بر بازگرداندن بزهکار به جامعه توجه دارد. این امر حکایت از آن دارد که در یک اجتماع مبتنی بر رویه از آنجا که هیت فرد از طریق یادگیری آنچه تجربه می‌شود تکوین می‌یابد، عدالت ترمیمی سبب می‌گردد که افراد تروریست در مورد هیت خود به بازاندیشی پردازند. بر مبنای این تجربه، شبکه آگاهی از افراط‌گرایی در راستای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و تروریسم، بازپروری و ادغام مجدد تروریست‌ها را در دستور کار قرار داده است. این نهاد از زمان تأسیس آن در سال ۲۰۱۱، بیش از ۶۰۰۰ از کسانی را که از تروریسم متأثر بوده‌اند گردهم آورده است. تجارب این افراد به‌عنوان منابعی برای مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم در اروپا، در نظر گرفته شده است (European Commission, 2024).

افرادی از گروه جدایی‌طلبان باسک که با قربانیان ملاقات کرده بودند «در نتیجه جلسات عدالت ترمیمی اعتراف کردند که اقدامات آن‌ها اشتباه بزرگی بود» (Segovia, 2013). در یکی از برنامه‌های ترمیمی با عنوان کارگاه هم‌زیستی که در سال ۲۰۱۱ انجام شد، ده زندانی سازمان جدایی‌طلبان منطقه باسک و سه نفر از قربانیان این سازمان حضور داشتند، «قربانیان معتقد بودند که ستیزه‌جویانی که در این کارگاه شرکت کرده‌اند در صدد جبران صدمات برآمده بودند» (Ceberio, 2020). در نتیجه عدالت ترمیمی یکی از مجرمان اقدامات تروریستی در ایتالیا اذعان کرده بود «من دیگر از اصطلاح دشمن در گفتمان خود استفاده نمی‌کنم» (Bertagna et.al., 2015: 119).

کوزوو از آوریل ۲۰۱۹، یکی از اولین کشورهایی بود که به‌طور داوطلبانه گروه بزرگی از اتباع خود را از سوریه بازگردانده است (Bytyci, 2019). هیسنی^۱ یکی از اتباع این کشور است که در نتیجه این روند خود را قربانی گروه تروریستی داعش تعریف می‌کند «من و فرزندانم قربانی هستیم» (Plesch & Haxhijaj, 2019). لورا^۲ شهروند دیگر کوزوو است که پس از بازگشت معتقد است که پیوستن به داعش یک اشتباه بوده است. او می‌گوید که «می‌خواهد دوباره به جامعه باز گردد» (Eu bulletin, 2019).

عدالت ترمیمی افزون بر بازپروری اجتماعی فرد تروریست، تدبیرهایی برای جلوگیری از

^۱. Hyseni

^۲. Vlora

شکل‌گیری باورهای تروریستی با اتخاذ رویکرد پیشگیری شناختی و اجتماعی اتخاذ می‌کند. این رویکرد معتقد است که درک فرد از موقعیتی خاص است که وی را به سمت انجام اقدام تروریستی هدایت می‌کند. بر همین مبنا «شبکه مادران برای زندگی» شبکه‌ای از والدین آلمانی، دانمارکی، بلژیکی، هلندی، سوئدی، فرانسوی، نروژی، بریتانیایی و ایتالیایی است که افراط‌گرایی خشونت‌آمیز را در خانواده‌های خود تجربه کرده‌اند، این شبکه حمایت از خانواده‌ها از طریق روان‌شناختی و جلوگیری از تروریسم را در دستور کار قرار داده است (mothers for life). در آلمان برنامه حیات اولین برنامه مشاوره برای ایجاد اعتماد اجتماعی باهدف پیشگیری از تروریسم است (Hayat, 2020). ابتکار دایموند در هلند نیز با هدف ادغام فرهنگی در راستای جلوگیری از تروریسم تاسیس شده است. از طریق عدالت ترمیمی در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹ هوارد زهر، جان بایتوت و هری میکا با برگزاری کارگاه‌های آموزشی عدالت ترمیمی برای جوانان، رهبران شبه‌نظامی و مسئولان قضایی نقش مؤثری در فرایند صلح در ایرلند شمالی ایفا نمودند (Puigvert et al, 2020: 11).

نتیجه‌گیری

کشورهای اروپایی با کاربست عدالت ترمیمی در مبارزه با تروریسم توجه خود را به زمینه‌های فردی و اجتماعی گرایش به تروریسم معطوف کرده‌اند و درصدد مبارزه بنیادی با تروریسم به‌عنوان امری که دارای ریشه‌های اجتماعی است برآمده‌اند. در دستور کار قرار دادن عدالت ترمیمی در مبارزه با تروریسم سبب شده است که در فرایند مبارزه با تروریسم نقطه ثقل اجتماعی از اصل جرم به فرد مجرم معطوف گردیده و بجای شخصیت مجرم، شخص وی در نظر گرفته شود. عدالت ترمیمی موجب می‌گردد که به فرد تروریست به‌عنوان کسی نگریسته شود که در اجتماع مبتنی بر رویه گروه تروریستی با انجام اقداماتی، هویت تروریستی یافته و خود را به‌عنوان یک تروریست تعریف کرده است. با در نظر داشتن این امر از آنجا که هویت اجتماعی امری آموختنی در چنین اجتماعی است و از طریق بازاندیشی قابل تجدیدنظر است؛ فرد تروریست در مواجهه با واسطه‌های مبتنی بر رویه همانند قربانیان و شنیدن روایت آنها به تأمل و بازاندیشی در هویت خود می‌پردازد. در فرایند عدالت ترمیمی قربانیان درد و رنجی را که از اقدامات تروریستی متحمل شده‌اند روایت می‌کنند. در واقع، روایت قربانیان به‌عنوان عاملی در برابر روایت هژمونیک عمل می‌کند که گروه تروریستی، جهان بینی فرد را براساس آن تنظیم کرده است؛ در نتیجه این امر فرد تروریست به گسست از هویت پیشین خود اقدام می‌کند و درصدد ترمیم و جبران گذشته و آثار اقدامات خود برمی‌آید. این امر حکایت از آن دارد که در مواجهه مجرم با اعمال تروریستی گذشته، وی نقش فعالی در ترمیم آثار این اعمال برعهده گرفته و بازآفرینی مجددی از نقش اجتماعی وی صورت می‌پذیرد. روایت قربانبان سبب تغییر نقش‌های اجتماعی افراد می‌شود. در سطح جامعه‌شناختی ترمیم

¹. Howard Zehr

². John Baithwaite

³. Harry Mika

روابط اجتماعی که در اثر انجام اقدامات تروریستی آسیب دیده است انجام می‌شود تا مجرمان و قربانیان در یک جامعه پس از قرار گرفتن در فرآیندهای عدالت ترمیمی بتوانند بدون ترس و نفرت، روابط اجتماعی سالمی را برقرار سازند.

منابع فارسی

۱. اسماعیلی، مهدی، و ابراهیمی، فرخنده. (۱۴۰۱). بازپروری بزه‌کاران و تجارب بزه‌دیدگان از عدالت ترمیمی. *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی*، ۲۴(۸۶)، ۴۴-۲۱.
۲. بیت‌جم، رامسین، خسروی، محمدعلی، جلالی، رضا؛ و صادقی‌حقیقی، دیدخت. (۱۴۰۲). مقایسه استراتژی‌های هنجارسازی اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا در رویارویی با تروریسم در غرب آسیا. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۹(۴)، ۹۵-۱۱۵.
۳. تکار، مونا، و آنه، اسپیکارت. (۱۴۰۲). بررسی افزایش تلاش برای نفوذ به وفاداران، به‌ویژه پسران جوان، در اردوگاه الهول توسط شبکه مالی وابسته به داعش. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۲۰(۲)، ۱۸۶-۱۶۱.
۴. توکلی، سلمان، و نطق‌پور، مهدی. (۱۴۰۱). واکاوی علل و انگیزه پیوستن جوانان اروپایی به گروه تکفیری داعش. *مدیریت و پژوهش‌های دفاعی*، ۲۱(۹۶)، ۱۰۸-۷۷.
۵. جمشیدی، محمد، و رهبری، هدیه. (۱۳۹۸). تروریسم بومی در اروپا. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۹(۳۵)، ۲۵۰-۲۲۳.
۶. رادفر، فیروزه، دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۴۰۱). نظریه کردارگرایی روابط بین‌الملل. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۸(۴)، ۲۱-۷.
۷. رحمتی، رضا. (۱۴۰۲). اسلام در سوئد؛ موضوعی اجتماعی، سیاسی یا امنیتی. *فصلنامه مطالعات بین‌الملل*، ۲۰(۱)، ۷۹-۵۷.
۸. لطفی، میلاد، و دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۴۰۲). نگرشی نوین به مطالعه همگرایی منطقه‌ای: کردارگرایی و کاربست آن در مطالعات همگرایی اروپا. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌الملل*، ۱۵(۱)، ۳۴-۱۱.
۹. میرمجیدی، سپیده. (۱۴۰۰). ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌های عدالت ترمیمی در پرونده‌های خشونت جنسی؛ با نگاهی به گفت‌وگوهای قضایی ایران. *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۵(۱۱۴)، ۴۶۳-۴۳۳.

English References

1. Adler, E. (2005). *Communitarian International Relations: The Epistemic Foundation of International Relations*, London: Routledge.
2. Adler, E. (2008). The Spread of Security Communities: Communities of Practice, SelfRestraint, and NATO's Post-Cold War Transformation. *European Journal of*

- International Relations*, 14(2), 195–230.
3. Adler, E. (2019). *World Ordering: A Social Theory of Cognitive Evolution*. Cambridge: Cambridge University Press.
 4. Adler, E., & Pouliot, V. (2011). International Practices. *International Theory*, 3(1), 1–36.
 5. Aranguren, I. (2019). El Terrorismo Yihadista en la Encrucijada Oportunidades y Riesgos tras el Derrumbe del Califato. *Fundación Centro para la Memoria de las Víctimas del Terrorism*, at: <https://fundacionvt.org/publicacion/el-terrorismo-yihadista-en-la-encrucijada-2/>
 6. Bertagna, G., Ceretti, A. & Mazzucato, C. (2015). *Il Libro Dell'incontro*. Milan: Il Saggiatore.
 7. Bicchi, F. (2022). Communities of practice and what they can do for International Relations, *Review of International Studies*, 48(1), 24–43.
 8. Blakeley, R. et.al. (2019). *Leaving the War on Terror: A Progressive Alternative to Counter-Terrorism Policy*, Amsterdam: Transnational Institute. Available at: www.tni.org.
 9. Bueger, Ch. & Gadinger F. (2018). *International Practice Theory*. Second Edition, Palgrave: Macmillan.
 10. Bueger, Ch. (2012). Communities of Practice in World Politics – Theory or Technology? *52nd Annual Conference of the International Studies Association*. Montreal: Canada.
 11. Butt, R., & TUCK, H. (2010). European Counter-Radicalisation and De-radicalisation: A Comparative Evaluation of Approaches in the Netherlands, Sweden, Denmark and Germany, *European Counter-Radicalisation and De-radicalisation*. Retrieved from: https://www.eukn.eu/fileadmin/Files/News/De-radicalisation_final.pdf.
 12. Bytyci, F. (2019). Kosovo brings back fighters, families of jihadists from Syria, *reuters*: <https://www.reuters.com/article/us-kosovo-syria-idUSKCN1RW003>.
 13. Carter, B. (2017). Analyzing the Criminal Justice and Military Models of Counterterrorism: Evidence from the United States. Master thesis, *United States*: University of Kansas.
 14. Ceberio, M. (2020). Ética y autocrítica entre rejas. *El País*. Available at: <https://elpais.com/espana/2020-08-05/amor-sin-papeles-entre-rejas.html>.
 15. Cornut, J. (2018). Diplomacy, Agency and the Logic of Improvisation and Virtuosity in Practice, *European Journal of International Relations*, 24(3), 712–736.
 16. Council of Europe Committee on Counter-Terrorism .(2023). counter-terrorism strategy for 2023-2027. Available at:

- https://search.coe.int/cm/pages/result_details.aspx?objectid=0900001680a9ad67
17. Council of Europe. (2018). Counter-Terrorism Strategy (2018-2022) Available at: https://search.coe.int/cm/Pages/result_details.aspx?Objectid=09000016808afc96.
 18. Daly, K. (2016). What is restorative justice? Fresh answers to a vexed question, *Victims & Offenders*, 11(1), 9–29.
 19. Dandurand, Y. (2020). *Handbook on Restorative Justice Programmes*. Second Edition. United Vienna: Nations Office on Drugs and Crime United Nations Office.
 20. De Bie, L. (2016). Involvement Mechanisms of Jihadist Networks. *Perspectives on Terrorism*. 10(5), 22-41.
 21. Erelle, A. (2015). Skyping With the Enemy: I Went Undercover as a Jihadi Girlfriend. The Guardian, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2015/may/26/french-journalist-poses-muslim-convert-isis-anna-erelle>.
 22. Eu bulletin. (2019). Returning Foreign Terrorists: Kosovo Seeks to Integrate 'ISIS' Returnees Back Into Society. Available at: <https://www.eubulletin.com/10297-returning-foreign-terrorists-kosovo-seeks-to-integrate-isis-returnees-back-into-society.html>.
 23. European Commission. (2024). About RAN Practitioners. Available at: https://home-affairs.ec.europa.eu/networks/radicalisation-awareness-network-ran/about-ran_en.
 24. Forgiveness project. (2019). Jo Berry and Pat Magee. Available at: <https://www.theforgivenessproject.com/stories/jo-berry-pat-magee/>.
 25. Fuller, A. (2007). Critiquing Theories of Learning and Communities of Practice. In Hughes, J. Jewson, N. & Unwin, L. (eds). *Communities of Practice. Critical Perspectives*, London; Routledge.
 26. Gal, T. Dancig-Rosenberg, H., & Guy, E. (2018). Measuring the restorativeness of restorative justice: The case of the Mosaica Jerusalem Programme. *The International Journal of Restorative Justice*, 1(2), 252–273.
 27. Gal, T., & Dancig-Rosenberg, H. (2020). Characterizing multi-door criminal justice: A comparative analysis of three criminal justice mechanisms. *New Criminal Law Review*, 23(1), 139–166.
 28. Grimm, A., & Hellmann, G. (2019). Theory Must Not Go on Holiday. Wittgenstein, the Pragmatists, and the Idea of Social Science. *International Political Sociolog*, 13(2), 198-214.
 29. Hayat. (2020). Beratungsprinzipien. Available at: <https://hayat-deutschland.de/hayat-deutschland/?c=beratung>.
 30. Horizon. (2020). Influencing and Promoting Global Peace and Security. Available at:

- <https://behorizon.org/wp-content/uploads/2020/10/Horizon-Insights-2020-3.pdf>.
31. Independent. (2018). Iraq sentences German woman to death for joining Isis, reports say. Available at: <https://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/isis-iraq-sentence-death-german-teenager-linda-wenzel-baghdad-a8170461.html>.
 32. Infantino, F. (2019). How does Policy Change at the Street Level? Local Knowledge, A Community of Practice and EU Visa Policy Implementation in Morocco. *Journal of Ethnic and Migration Studies*. 47(5), 1-19.
 33. Johnstone, G. (2011). *Restorative Justice. Ideas, Values, Debates*. London: Routledge.
 34. Kuru, D. (2019). Back at Home: The Ambassadors Conference as an Interstitial Practice. *Global Affairs*, 5(4-5), 295–313.
 35. Lave, J., & Wenger, E. (1991). *Situated Learning: Legitimate Peripheral Participation*. Cambridge: Cambridge University Press.
 36. Marshall, C. (2007). Terrorism, Religious Violence and Restorative Justice. In V. Ness & G. Johnstone (eds.), *Handbook of Restorative Justice* Cullompton: Willan Publishing.
 37. Mothers for life. (2020). Nicola Benyahia: Available at: <http://www.mothersforlife.org/en/keyparents/nicola-benyahiha>.
 38. Neumann, P. et.al. (2007). *Recruitment and Mobilisation for the Islamist Militant Movement in Europe*. London: ICSR.
 39. Olson, J. & Sarver, R. S. (2021). How Restorative are You? Introducing the Restorative Index. *Victims & Offenders*, 17(6), 1-33.
 40. Onur, S. (2018). *Challenges Post-Daesh Challenges for Europe*, Horizon Insights.
 41. Parliamentary Assembly. (2016). Foreign Fighters in Syria and Iraq. at: <https://assembly.coe.int/nw/xml/XRef/Xref-XML2HTML-en.asp?fileid=22482&lang=en>
 42. Parliamentary Assembly. (2018). Counter-narratives to terrorism. Available at : <https://assembly.coe.int/nw/xml/XRef/Xref-XML2HTML-en.asp?fileid=24810&lang=en>.
 43. Plesch, V. & Haxhijaj, S. (2019). Kosovo is trying to reintegrate ISIL returnees. Will it work? Available at: <https://www.aljazeera.com/features/2019/6/9/kosovo-is-trying-to-reintegrate-isil-returnees-will-it-work>.
 44. Porter, L., & Kebbell, M. (2011). Radicalisation in Australia: Examining Australia's Convicted Terrorists. *Psychiatry. Psychology and Law*. 18(2), 212-231.
 45. Puigvert, L. et.al. (2020). Grassroots community actors leading the way in the prevention of youth violent radicalization. *PLoS ONE* 15(10),1-29.
 46. Radicalisation Awareness Network. (2021). The potential of restorative justice in cases

- of violent extremism and terrorism. This document has been prepared for the European Commission. Luxembourg: Publications Office of the European Union. Available at: The potential of restorative justice in cases of violent extremism and terrorism, 2021 (europa.eu).
47. Ramos, M. (2019). El dique moral. Las víctimas del terrorismo como freno a la espiral de violencia. In A. Rivera Blanco (Ed.), *Nunca hubo dos bandos: Violencia política en El País Vasco, 1975–2011* [There were never two sides. Political violence in the Basque Country 1975–2011]. Comares. 175–198.
48. Ríos, C. (2013). El encuentro personal entre quienes asesinaron perteneciendo a ETA y quienes sufrieron el horror injustificado, Descripción, análisis y reflexiones. IN E. Coord & P. Rodríguez, *Los ojos del otro. Encuentros restaurativos entre víctimas y ex miembros de ETA*. Santander: Salterrae, 187-224.
49. Saltman, M. & Smith, M. (2015). Till Martyrdom Do Us Part. Gender and the ISIS Phenomenon. London: Institute for Strategic Dialogue. Available at: https://www.isdglobal.org/wp-content/uploads/2016/02/Till_Martyrdom_Do_Us_Part_Gender_and_the_ISIS_Phenomenon.pdf.
50. Sarid, A., & Levanon, M. (2021). Rethinking the Theory of Communities of Practice in Education: Critical Reflection and Ethical Imagination. *Educational Philosophy and Theory*. 54(10), 1-12.
51. Segovia, M. (2013). Los etarras arrepentidos Guisasola y Alza se unen a Mintegi y Urizar en el homenaje a Joseba Goikoetxea, El Mundo. Available at: <https://www.elmundo.es/pais-vasco/2013/11/22/528f360663fd3dc00f8b456a.html>.
52. Sondarjee, M. (2020). *Collective Learning at the Boundaries of Communities of Practice: Inclusive Policymaking at the World Bank*.
53. Sondarjee, M. (2021). We Are a Community of Practice, Not a Paradigm! How to Meaningfully Integrate Gender and Feminist Approaches in IR Syllabi. *International Studies Perspectives*. 23(3), 1-20.
54. Soto, Tamara Martínez. (2021). Justicia restaurativa como sistema complementario al proceso penal. hacia una reparación integral a las víctimas del terrorismo. lecciones aprendidas desde la experiencia en España, *Revista de Victimología*, Núm(12), 111-136.
55. Stephens, G. (2021). It's because of community meeting: toward a responsive reconceptualization of social emotional learning. *Educational Action Research*. 31(2), 1-18.
56. Sultan, O., Biffí, E & Cebrián, P. (2020). *Reintegration of ISIS Returnees: A Myth or*

- Reality? Beyond the Horizon* ISSG Head Office, at: <https://repository.uantwerpen.be/desktop/irua>
57. Suzuki, M., & Jenkins, T. (2020). The role of (self-)forgiveness in restorative justice: Linking restorative justice to desistance. *European Journal of Criminology*, 19(2), 1-18.
 58. Uğur, O. (2018). What Comes After ISIS: A Sociological Analysis of Radicalisation into Violent Extremism, *Horizon Insights*: Available at: <https://behorizon.org/wp-content/uploads/2020/01/HORIZON-INSIGHTS-JOURNAL-Volume-1-Issue-1.pdf>.
 59. United Nations. (2017). Security Council. S/RES/2396.
 60. United Nations. Office of Counter-Terrorism. (2017). Enhancing the Understanding of the Foreign Terrorist Fighters Phenomenon in Syria, at: https://f-origin.hypotheses.org/wp-content/blogs.dir/2725/files/2018/02/ONU_Report_Final_2017.pdf
 61. Vaandering, D. (2013). A window on relationships: Reflecting critically on a current restorative justice theory. *Restorative Justice*. 1(3), 311-333.
 62. Volpe, R. (2007). Restorative Justice in Post- Disaster Situations: Untapped Potential. *Cardozo J. Conflict Resolution*, 8(2), 611-621.
 63. Walgrave, L. (2015). Domestic Terrorism: A Challenge for Restorative Justice. *Restorative Justice. An International Journal*, 3(2), 282-290.
 64. Walgrave, L., Ward, T. & Zinsstag, E. (2021). When restorative justice meets the Good Lives Model: Contributing to a criminology of trust. *European Journal of Criminology*, 18(3), 444-460.
 65. Wenger, E. (1998). *Communities of Practice: Learning, Meaning and Identity*. Cambridge: Cambridge University Press.
 66. Wenger, E., McDermott, A. & Snyder, W. (2002). *Cultivating communities of practice: a guide to managing knowledge*. Cambridge: Harvard Business School Press.
 67. White, M. (1989). The externalisation of the problem and the re-authoring of relationships. In M. White (Ed.), *Selected papers* Adelaide, South Australia: Dulwich Centre Publications. 5-28.
 68. Wong, W., and Gavrielides, T. (2019). *Restorative Justice in Educational Settings and Policies: Bridging the East and West*, London: RJ4All Publications.
 69. Wood, S. (2021). Local Grounding of Transnational Private Governance Authority: Translation, Contestation, Legitimation and Communities of Practice. *New Political Economy*, 240-256.
 70. Zernova, M. (2019). Restorative justice in the aftermath of politically-motivated violence: the Basque experience. *Critical Studies on Terrorism*, 12(4), 649-672.

Translated References to English

1. Adler, E. (2005). *Communitarian International Relations: The Epistemic Foundation of International Relations*, London: Routledge.
2. Adler, E. (2008). The Spread of Security Communities: Communities of Practice, Self-Restraint, and NATO's Post-Cold War Transformation. *European Journal of International Relations*, 14(2), 195–230.
3. Adler, E. (2019). *World Ordering: A Social Theory of Cognitive Evolution*. Cambridge: Cambridge University Press.
4. Adler, E., & Pouliot, V. (2011). International Practices. *International Theory*, 3(1), 1–36.
5. Aranguren, I. (2019). El Terrorismo Yihadista en la Encrucijada Oportunidades y Riesgos tras el Derrumbe del Califato. *Fundación Centro para la Memoria de las Víctimas del Terrorism*, at: <https://fundacionvt.org/publicacion/el-terrorismo-yihadista-en-la-encrucijada-2/>
6. Beit Jam, R. , Khosravi, M. A. , Jalali, R. and Sadeghi Haghighi, D. (2023). Analyzing of Anti-Terrorism Normative Strategy between European Union and United States of America in the West Asia. *International Studies Journal (ISJ)*, 19(4), 95-115. doi: 10.22034/isj.2022.364399.1909 **(In Persian)**
7. Bertagna, G., Ceretti, A. & Mazzucato, C. (2015). *Il Libro Dell'incontro*. Milan: Il Saggiatore.
8. Bicchi, F. (2022). Communities of practice and what they can do for International Relations, *Review of International Studies*, 48(1), 24–43.
9. Blakeley, R. et.al. (2019). *Leaving the War on Terror: A Progressive Alternative to Counter-Terrorism Policy*, Amsterdam: Transnational Institute. Available at: www.tni.org.
10. Bueger, Ch. & Gadinger F. (2018). *International Practice Theory*. Second Edition, Palgrave: Macmillan.
11. Bueger, Ch. (2012). Communities of Practice in World Politics – Theory or Technology? *52nd Annual Conference of the International Studies Association*. Montreal: Canada.
12. Butt, R., & TUCK, H. (2010). European Counter-Radicalisation and De-radicalisation: A Comparative Evaluation of Approaches in the Netherlands, Sweden, Denmark and Germany, *European Counter-Radicalisation and De-radicalisation*. Retrieved from: https://www.eukn.eu/fileadmin/Files/News/De-radicalisation_final.pdf.
13. Bytyci, F. (2019). Kosovo brings back fighters, families of jihadists from Syria, *reuters*: <https://www.reuters.com/article/us-kosovo-syria-idUSKCN1RW003>.
14. Carter, B. (2017). Analyzing the Criminal Justice and Military Models of

- Counterterrorism: Evidence from the United States. Master thesis, *United States: University of Kansas*.
15. Ceberio, M. (2020). Ética y autocrítica entre rejas. *El País*. Available at: <https://elpais.com/espana/2020-08-05/amor-sin-papeles-entre-rejas.html>.
 16. Cornut, J. (2018). Diplomacy, Agency and the Logic of Improvisation and Virtuosity in Practice, *European Journal of International Relations*, 24(3), 712–736.
 17. Council of Europe Committee on Counter-Terrorism. (2023). counter-terrorism strategy for 2023-2027. Available at: https://search.coe.int/cm/pages/result_details.aspx?objectid=0900001680a9ad67
 18. Council of Europe. (2018). Counter-Terrorism Strategy (2018-202) Available at: https://search.coe.int/cm/Pages/result_details.aspx?ObjectId=09000016808afc96.
 19. Daly, K. (2016). What is restorative justice? Fresh answers to a vexed question, *Victims & Offenders*, 11(1), 9–29.
 20. Dandurand, Y. (2020). *Handbook on Restorative Justice Programmes*. Second Edition. United Vienna: Nations Office on Drugs and Crime United Nations Office.
 21. De Bie, L. (2016). Involvement Mechanisms of Jihadist Networks. *Perspectives on Terrorism*. 10(5), 22-41.
 22. Erelle, A. (2015). Skyping With the Enemy: I Went Undercover as a Jihadi Girlfriend. *The Guardian*, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2015/may/26/french-journalist-poses-muslim-convert-isis-anna-erelle>.
 23. Esmaili, M., & Ebrahimi, F. (2023). Rehabilitation of the Perpetrators and the Experiences of Victims of REstorative Justice. *Journal of Judicial Law Views*, 24(86), 21-44. **(In Persian)**
 24. Eu bulletin. (2019). Returning Foreign Terrorists: Kosovo Seeks to Integrate 'ISIS' Returnees Back Into Society. Available at: <https://www.eubulletin.com/10297-returning-foreign-terrorists-kosovo-seeks-to-integrate-isis-returnees-back-into-society.html>.
 25. European Commission. (2024). About RAN Practitioners. Available at : https://home-affairs.ec.europa.eu/networks/radicalisation-awareness-network-ran/about-ran_en.
 26. Forgiveness project. (2019). Jo Berry and Pat Magee. Available at: <https://www.theforgivenessproject.com/stories/jo-berry-pat-magee/>.
 27. Fuller, A. (2007). Critiquing Theories of Learning and Communities of Practice. In Hughes, J. Jewson, N. & Unwin, L. (eds). *Communities of Practice. Critical Perspectives*, London: Routledge.
 28. Gal, T. Dancig-Rosenberg, H., & Guy, E. (2018). Measuring the restorativeness of

- restorative justice: The case of the Mosaica Jerusalem Programme. *The International Journal of Restorative Justice*, 1(2), 252–273.
29. Gal, T., & Dancig-Rosenberg, H. (2020). Characterizing multi-door criminal justice: A comparative analysis of three criminal justice mechanisms. *New Criminal Law Review*, 23(1), 139–166.
30. Grimm, A., & Hellmann, G. (2019). Theory Must Not Go on Holiday. Wittgenstein, the Pragmatists, and the Idea of Social Science. *International Political Sociolog*, 13(2), 198-214.
31. Hayat. (2020). Beratungsprinzipien. Available at: <https://hayat-deutschland.de/hayat-deutschland/?c=beratung>.
32. Horizon. (2020). Influencing and Promoting Global Peace and Security. Available at: <https://behorizon.org/wp-content/uploads/2020/10/Horizon-Insights-2020-3.pdf>.
33. Independent. (2018). Iraq sentences German woman to death for joining Isis, reports say. Available at: <https://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/isis-iraq-sentence-death-german-teenager-linda-wenzel-baghdad-a8170461.html>.
34. Infantino, F. (2019). How does Policy Change at the Street Level? Local Knowledge, A Community of Practice and EU Visa Policy Implementation in Morocco. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 47(5), 1-19.
35. Jamshidi, M., & Rahbari, H. (2020). Homegrown Terrorism in Europe. *International Relations Researches*, 9(35), 223-250. **(In Persian)**
36. Johnstone, G. (2011). *Restorative Justice. Ideas, Values, Debates*. London: Routledge.
37. Kuru, D. (2019). Back at Home: The Ambassadors Conference as an Interstitial Practice. *Global Affairs*, 5(4-5), 295–313.
38. Lave, J., & Wenger, E. (1991). *Situated Learning: Legitimate Peripheral Participation*. Cambridge: Cambridge University Press.
39. Lotfi, M., & Dehghani, Firoozabadi, S. J. (2023). A New Approach to the Study of Regional Integration: Practice Theory and its Application in European Integration Studies. *Political and International Approaches*, 15(1), 11-34. **(In Persian)**
40. Marshall, C. (2007). Terrorism, Religious Violence and Restorative Justice. In V. Ness & G. Johnstone (eds.), *Handbook of Restorative Justice* Cullompton: Willan Publishing.
41. Mirmajidi, S. (2021). Characteristics of the Desirable Model of Restorative Justice Programs in Cases of Sexual Violence: A Look at the Iranian Judicial Discourse. *Judiciarys Law Journal*, 85(114), 433-463. **(In Persian)**
42. Mothers for life. (2020). Nicola Benyahia: Available at: <http://www.mothersforlife.org/en/keyparents/nicola-benyahiha>.
43. Neumann, P. et.al. (2007). *Recruitment and Mobilisation for the Islamist Militant*

Movement in Europe. London: ICSR.

44. Olson, J. & Sarver, R. S. (2021). How Restorative are You? Introducing the Restorative Index. *Victims & Offenders*, 17(6), 1-33.
45. Onur, S. (2018). *Challenges Post-Daesh Challenges for Europe*, Horizon Insights.
46. Parliamentary Assembly. (2016). Foreign Fighters in Syria and Iraq. at: <https://assembly.coe.int/nw/xml/XRef/Xref-XML2HTML-en.asp?fileid=22482&lang=en>
47. Parliamentary Assembly. (2018). Counter-narratives to terrorism. Available at : <https://assembly.coe.int/nw/xml/XRef/Xref-XML2HTML-en.asp?fileid=24810&lang=en>.
48. Plesch, V. & Haxhijaj, S. (2019). Kosovo is trying to reintegrate ISIL returnees. Will it work? Available at: <https://www.aljazeera.com/features/2019/6/9/kosovo-is-trying-to-reintegrate-isil-returnees-will-it-work>.
49. Porter, L., & Kebbell, M. (2011). Radicalisation in Australia: Examining Australia's Convicted Terrorists. *Psychiatry, Psychology and Law*. 18(2), 212-231.
50. Puigvert, L. et al. (2020). Grassroots community actors leading the way in the prevention of youth violent radicalization. *PLoS ONE* 15(10), 1-29.
51. Radfar, F., & Dehghani Firoozabadi, S. J. (2022). The Practice Theory of International Relations. *International Studies Journal (ISJ)*, 18(4), 7-21. doi: 10.22034/isj.2022.330824.1758 . **(In Persian)**
52. Radicalisation Awareness Network. (2021). The potential of restorative justice in cases of violent extremism and terrorism. This document has been prepared for the European Commission. Luxembourg: Publications Office of the European Union. Available at: The potential of restorative justice in cases of violent extremism and terrorism, 2021 (europa.eu).
53. Rahmati, R. (2023). Islam in Sweden: A Social, Political, or Security Issue?. *International Studies Journal (ISJ)*, 20(1), 57-79. doi: 10.22034/isj.2023.356221.1885 **(In Persian)**
54. Ramos, M. (2019). El dique moral. Las víctimas del terrorismo como freno a la espiral de violencia. In A. Rivera Blanco (Ed.), *Nunca hubo dos bandos: Violencia política en El País Vasco, 1975–2011* [There were never two sides. Political violence in the Basque Country 1975–2011]. Comares. 175–198.
55. Ríos, C. (2013). El encuentro personal entre quienes asesinaron perteneciendo a ETA y quienes sufrieron el horror injustificado, Descripción, análisis y reflexiones. IN E. Coord & P. Rodríguez, *Los ojos del otro. Encuentros restaurativos entre víctimas y ex*

- miembros de ETA*. Santander: Salterrae, 187-224.
56. Saltman, M. & Smith, M. (2015). Till Martyrdom Do Us Part. Gender and the ISIS Phenomenon. London: Institute for Strategic Dialogue. Available at: https://www.isdglobal.org/wp-content/uploads/2016/02/Till_Martyrdom_Do_Us_Part_Gender_and_the_ISIS_Phenomenon.pdf.
57. Sarid, A., & Levanon, M. (2021). Rethinking the Theory of Communities of Practice in Education: Critical Reflection and Ethical Imagination. *Educational Philosophy and Theory*. 54(10), 1-12.
58. Segovia, M. (2013). Los etarras arrepentidos Guisasola y Alza se unen a Mintegi y Urizar en el homenaje a Joseba Goikoetxea, El Mundo. Available at: <https://www.elmundo.es/pais-vasco/2013/11/22/528f360663fd3dc00f8b456a.html>.
59. Sondarjee, M. (2020). *Collective Learning at the Boundaries of Communities of Practice: Inclusive Policymaking at the World Bank*.
60. Sondarjee, M. (2021). We Are a Community of Practice, Not a Paradigm! How to Meaningfully Integrate Gender and Feminist Approaches in IR Syllabi. *International Studies Perspectives*. 23(3), 1-20.
61. Soto, Tamara Martínez. (2021). Justicia restaurativa como sistema complementario al proceso penal. hacia una reparación integral a las víctimas del terrorismo. lecciones aprendidas desde la experiencia en España, *Revista de Victimología*, Núm(12), 111-136.
62. Stephens, G. (2021). It's because of community meeting: toward a responsive reconceptualization of social emotional learning. *Educational Action Research*. 31(2), 1-18.
63. Sultan, O., Biffi, E & Cebrián, P. (2020). *Reintegration of ISIS Returnees: A Myth or Reality? Beyond the Horizon* ISSG Head Office, at: <https://repository.uantwerpen.be/desktop/irua>
64. Suzuki, M., & Jenkins, T. (2020). The role of (self-)forgiveness in restorative justice: Linking restorative justice to desistance. *European Journal of Criminology*, 19(2), 1-18.
65. Tavakoli, S., & nattagh poor, M. (2022). Analyzing the Reasons and Motives of European Youth Joining the Takfiri Group of ISIS. *Defensive Researches and Management*, 21(96), 77-108. **(In Persian)**
66. Thakkar, M., & Speckhard, A. (2023). IS-Affiliated Financial Networks Double Down on their Efforts of Exfiltrating Loyalists, Particularly IS Young Boys, from Camp al Hol. *International Studies Journal (ISJ)*, 20(2), 161-186. doi: 10.22034/isj.2023.182470 **(In Persian)**
67. Uğur, O. (2018). What Comes After ISIS: A Sociological Analysis of Radicalisation into

- Violent Extremism, Horizon Insights: Available at: <https://behorizon.org/wp-content/uploads/2020/01/HORIZON-INSIGHTS-JOURNAL-Volume-1-Issue-1.pdf>.
68. United Nations. (2017). Security Council. S/RES/2396.
69. United Nations. Office of Counter-Terrorism. (2017). Enhancing the Understanding of the Foreign Terrorist Fighters Phenomenon in Syria, at: https://f-origin.hypotheses.org/wp-content/blogs.dir/2725/files/2018/02/ONU_Report_Final_2017.pdf
70. Vaandering, D. (2013). A window on relationships: Reflecting critically on a current restorative justice theory. *Restorative Justice*, 1(3), 311-333.
71. Volpe, R. (2007). Restorative Justice in Post- Disaster Situations: Untapped Potential. Cardozoj. *Conflict Resolution*, 8(2), 611-621.
72. Walgrave, L. (2015). Domestic Terrorism: A Challenge for Restorative Justice. *Restorative Justice. An International Journal*, 3(2), 282-290.
73. Walgrave, L., Ward, T. & Zinsstag, E. (2021). When restorative justice meets the Good Lives Model: Contributing to a criminology of trust. *European Journal of Criminology*, 18(3), 444-460.
74. Wenger, E. (1998). *Communities of Practice: Learning, Meaning and Identity*. Cambridge: Cambridge University Press.
75. Wenger, E., McDermott, A. & Snyder, W. (2002). *Cultivating communities of practice: a guide to managing knowledge*. Cambridge: Harvard Business School Press.
76. White, M. (1989). The externalisation of the problem and the re-authoring of relationships. In M. White (Ed.), *Selected papers* Adelaide, South Australia: Dulwich Centre Publications. 5-28.
77. Wong, W., and Gavrielides, T. (2019). *Restorative Justice in Educational Settings and Policies: Bridging the East and West*, London: RJ4All Publications.
78. Wood, S. (2021). Local Grounding of Transnational Private Governance Authority: Translation, Contestation, Legitimation and Communities of Practice. *New Political Economy*, 240-256.
79. Zernova, M. (2019). Restorative justice in the aftermath of politically-motivated violence: the Basque experience. *Critical Studies on Terrorism*, 12(4), 649-672.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی